

## History of Ophthalmology in Iran

Moein HR, MD<sup>1\*</sup>; Shams H, MD<sup>2</sup>

<sup>1</sup>Azad University of Medical Sciences, Tehran, Iran, <sup>2</sup>Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

\*Corresponding author: moein3@yahoo.com

Iran enjoys a glorious history in medicine, ophthalmology and optics and has introduced several great physicians and ophthalmologists to the world. The history of ophthalmology dates back to 6000 years ago; unfortunately we have no manuscripts or petrographies from those eras. The oldest document about ophthalmic diseases can be found in Avesta. Furthermore, as early as 1600 years ago, Genta Shapirta or Gundishapur revolutionized all sciences including ophthalmology. In this paper, the history of remarkable Iranian physicians in the field of ophthalmology is reviewed. In addition, new ophthalmic departments are briefly introduced.

**Key words:** Ophthalmology History, Iran

• Bina J Ophthalmol 2010; 16 (1): 3-8.

Received: 26 July 2010

Accepted: 14 September 2010

### تاریخ چشم‌پزشکی ایران: از دوره باستان تا عصر معاصر

دکتر حمید رضا معین<sup>۱</sup> و دکتر هرمز شمس<sup>۲</sup>

ایران از جمله کشورهایی است که تاریخ درخشانی در زمینه پزشکی، چشم‌پزشکی و علم اپتیک داشته و دانشمندان بسیاری را نیز تا کنون به دنیا معرفی نموده است. تاریخ چشم‌پزشکی ایران شاید به حدود ۶۰۰۰ سال پیش باز گردد، اما متأسفانه از آن دوران هیچ مدرک یا سنگ نوشته‌ای برجای نمانده است. قدیمی‌ترین نوشته موجود در ارتباط با چشم‌پزشکی مربوط به بخش‌هایی از کتاب اوستا می‌باشد. تأسیس دانشگاه جندی شاپور نزدیک به ۱۶۰۰ سال پیش تحولی عظیم در تمام علوم از جمله چشم‌پزشکی ایجاد کرد. در این مجال قصد داریم به صورت اجمالی خدمات و فعالیت‌های دانشمندان بزرگ ایرانی را در زمینه چشم‌پزشکی معرفی نماییم. در پایان به اختصار به تاریخچه چشم‌پزشکی نوین نیز اشاره می‌گردد.

• مجله چشم‌پزشکی بینا ۱۳۸۹؛ دوره ۱۶، شماره ۱: ۳-۸.

• پاسخ‌گو: دکتر حمیدرضا معین (e-mail: moein3@yahoo.com)

دریافت مقاله: ۴ مرداد ۱۳۸۹

تایید مقاله: ۲۳ شهریور ۱۳۸۹

۱- پزشک عمومی - عضو باشگاه پژوهشگران جوان - دانشگاه آزاد اسلامی - واحد پزشکی تهران

۲- استاد - چشم‌پزشک - دانشگاه علوم پزشکی تهران

تهران - خیابان شریعتی - خیابان شهید خاقانی (زرگنده) - دانشگاه آزاد اسلامی - واحد پزشکی تهران

#### مقدمه

تاریخ پزشکی ایران گنجینه گرانبهایی است که با گذشت زمان به دست فراموشی سپرده شده اما نام و یاد پزشکان و دانشمندان این مرز و بوم تا ابد در دل گیتی نقش بسته و می‌درخشد. در این مجال تلاش نمودیم تا در راستای احیای تاریخ پزشکی کشورمان، پیشینه حرفه چشم‌پزشکی را از دوره ایران باستان تا ابتدای

از آغاز حیات بر روی کره زمین همواره حوادث و بیماری‌ها، جان انسان‌ها را تهدید نموده و به همین علت علم پزشکی و به تبع آن چشم‌پزشکی، به عنوان یک الزام پدید آمده است. این علم در طی قرون متمادی دستخوش تغییر و تحولات بسیار گردیده است.

مروارید (نیشتر زدن) می‌نمودند. گروه آخر کحلان تحصیل کرده یا متخصصینی بودند که تنها به درمان بیماری‌های چشم می‌پرداختند.<sup>۶</sup>

اغلب اطلاعات و مدارک مستندی که از پزشکی ایران موجود است، به دوران اسلام مربوط می‌شود. بنابراین به مشهورترین کحلان و هم‌چنین طبیبان ایرانی پس از حمله اعراب و ورود اسلام به ایران که در کنار طبابت به چشم‌پزشکی نیز می‌پرداختند به ترتیب زمانی اشاره می‌نماییم.

ابوالحسن علی بن سهل (ابن ربن طبری) پزشک، داروساز و دین‌شناس ایرانی که به روایتی در سال ۱۵۷ ه.ق در شهر مرو به دنیا آمد. وی که برای اولین بار مسری بودن سل ریوی را اعلام نمود، در بخش چهارم کتاب "فردوس الحکمه"، که در آن به کلیات پزشکی پرداخته است، موضوعات چشم‌پزشکی را در ۱۴۸ باب و ۱۲ مقاله مطرح کرد.<sup>۷</sup>

اولین چشم‌پزشک عالم اسلام که متولد بغداد بود اما تحصیل طب خود را در ایران و در دانشگاه جندی شاپور تکمیل کرد، ابوزید حنین بن اسحاق عبادی (۲۶۳-۱۹۴ ه.ق) بود. وی کتب بسیاری را از سریانی و یونانی به عربی ترجمه نمود. از مهم‌ترین تالیفات وی می‌توان به کتاب "العشر مقالات فی العین" (ده مقاله در زمینه چشم‌پزشکی) اشاره کرد که قدیمی‌ترین کتاب منظم چشم‌پزشکی و منبع آموزش این شاخه از طب در جهان اسلام می‌باشد.<sup>۸</sup>

ابوبکر محمدبن زکریای رازی (Rasis ۳۱۳-۲۵۱ ه.ق) از بزرگ‌ترین دانشمندان پارسی، بخش دوم کتاب "الحاوی" را به بیماری‌های چشم اختصاص داد که در ۶ باب و ۴ مقاله گردآوری شده بود. این کتاب در سال (۸۹۰ ه.ق). به زبان لاتین ترجمه و در دانشگاه‌های معتبر جهان تدریس شد. دومین کتاب مهم رازی "منصوری" است که در قسمت ۷۷ آن، یک مقاله در باب بیماری‌های چشم، درمان، داروها و جراحی‌های چشم نگاشته شده است.

رازی نخستین پزشکی است که بازتاب نوری مردمک را مطرح نمود. وی متوجه شد قطر مردمک چشم با توجه به شدت نور تغییر می‌کند و هم‌چنین معتقد بود که فرآیند بینایی مربوط به خروج شعاع نور از چشم نبوده و چشم هیچ نوری از خود ساطع نمی‌کند، بلکه نور از اشیا وارد چشم می‌شود که در این مورد نظریه اقلیدوس را نقض نمود. بعدها با استفاده از قوانین فیزیکی، ابن هیثم (Alhazen)، فیزیک‌دان و دانشمند عراقی، این فرضیه را اثبات کرد. رازی برای نخستین بار به پانوس قرنیه در بیماری تراخم توجه نمود. وی هم‌چنین در کتاب الحاوی جراحی کاتاراکت به

چشم‌پزشکی نوین مورد بررسی قرار دهیم. امید است این مبحث انگیزه لازم جهت تحقیق و بررسی دقیق‌تر منابع طب سنتی ایران را فراهم نماید.

منابع و اطلاعات ما از چشم‌پزشکی و به طور کلی طب دوره ایران باستان بسیار اندک و پراکنده است و تنها مربوط به افسانه‌های غیر مستدل می‌باشد. متأسفانه بسیاری از سنگ‌نوشته‌ها طی حمله مغول و اعراب ویران شد و تاکنون در هیچ‌کدام از سنگ‌نوشته‌هایی که از حفاری‌ها به دست آمده مطلب مرتبط با چشم‌پزشکی و یا سایر شاخه‌های علم پزشکی یافت نگردیده است. بر خلاف آن، در سنگ‌نوشته‌ها و پاپیروس‌های مصر و یونان باستان، مطالب مرتبط با پزشکی و حتی چشم‌پزشکی موجود است. تنها هرودوت (مورخ معروف یونان) به حضور چشم‌پزشکان مصری در دربار هخامنشی (۶۵۰ ق.م) به ویژه در زمان داریوش اشاره می‌کند و هم‌چنین اظهار می‌دارد کوروش برای معالجه چشم خود از فرعون می‌خواهد بهترین چشم‌پزشک خود را از مصر به ایران روانه نماید.<sup>۹</sup>

قدیمی‌ترین سند موجود ایرانیان، که قسمت‌هایی از آن مربوط به پزشکی است، کتاب اوستا می‌باشد. نگارش و جمع‌آوری این کتاب ابتدا در زمان سلسله ساسانیان (۶۴۱-۲۲۴ م.) و به دستور اردشیر اول، آغاز شد و طی سالیان متمادی تکمیل گردید.<sup>۳</sup> به نظر می‌رسد که ایرانیان در زمان زرتشت، بیماری‌های چشمی را از روی رنگ و شکل به انواع: سپید چشم (آب مروارید)، سرخ چشم (ورم ملتحمه)، سبز چشم (گلوکوم) و غیره تقسیم می‌کردند و خوراکی‌های فاسد و مردار خواری را از جمله علل بروز بیماری‌های چشم می‌دانستند.<sup>۴</sup> در دوره خسرو انوشیروان ساسانی (۵۷۸-۵۳۱ م.) دانشگاه جندی شاپور (Genta Shapitra) به معنای باغ زیبا، از بزرگ‌ترین مراکز علمی جهان محسوب می‌شد و طبیبان بسیاری، از جمله خاندان بختیشوع (قرن ۱۰-۷ م.) و خاندان ماسویه در آن به تحصیل پرداختند.<sup>۴</sup> در میان این طبیبان، داروساز و چشم‌پزشک نیز حضور داشت که در دربار هارون الرشید و دیگر خلفای عباسی طبابت می‌کردند. از آن جمله می‌تواند به یوحنا ابن ماسویه اشاره نمود که چشم‌پزشک و استاد حنین بن اسحاق عبادی بود.<sup>۵</sup>

همواره در ایران سه گروه کحال (چشم‌پزشک) فعالیت داشتند: گروه اول کحلان دوره‌گردی بودند که در کوچه و بازار به درمان تجربی بیماران مستمند می‌پرداختند. گروه دوم طبیبانی بودند که ضمن تحصیل خود، مطالبی درباره بیماری‌های چشم نیز می‌آموختند و بیماری‌های شایع چشم را درمان می‌کردند و حتی گاهی مبادرت به اعمال جراحی ساده نظیر ناخنک، گل‌مژه و آب

روش Antyllus را شرح داده است.<sup>۸۱۰</sup>

علی بن عباس مجوسی اهوازی ارجانی (۳۸۴-۳۱۸ ه.ق) از جمله پزشکان و چشم‌پزشکان مطرح زمان خود بود که کتاب "طب الملکی" وی تا قرن ۱۸ میلادی در دانشگاه‌های غرب تدریس می‌شد. این دانشمند در جلد اول این کتاب به عضلات چشم و قوت بینایی اشاره می‌کند و در جلد دوم به اعمال جراحی چشم، پلک و مژه می‌پردازد. وی در این کتاب نقدهای منصفانه‌ای از کتاب الحاوی رازی و نظرات بقراط و جالینوس می‌نماید. کتاب دیگر وی "طب العیون" است که تنها به بیماری‌های چشم اختصاص دارد.<sup>۸</sup>

ابوالقاسم خلف‌بن‌عباس الزهرای (Abulcasis ۴۰۱-۳۲۴ ه.ق) که در جراحی سرآمد پزشکان زمان خود بود، در کتاب ۳۰ جلدی "التصریف لمن عجز عن تالیف" به عنوان دستورالعمل افرادی که قادر به استفاده از مجموعه کامل طبی نباشند، درباره شیوه‌های مختلف داغ کردن در درمان آب مروارید، اشک‌ریزش مزمن و برگشتن پلک و مژه به داخل چشم توضیحاتی ارائه داد؛ هم‌چنین اعمال جراحی مربوط به اشک‌ریزش، ورم پلک، کوتاهی پلک فوقانی و تحتانی، ناخنک، زگیل چشم، انحراف چشم و آب‌مروارید را تشریح نمود.<sup>۸۱۱</sup>

در همین دوران از جمله دانشمندان غیر پزشک ایرانی که سهم عمده‌ای در پیدایش و تحول علم اپتیک (optics) داشتند می‌توان به ابوسعداالعلای ابن‌سهل معروف به ابن‌سهل، ریاضیدان برجسته ایرانی (البته در برخی منابع به عنوان عراقی معرفی شده) در قرن دهم میلادی اشاره کرد. او پس از مطالعه بر روی آینه‌ها و عدسی‌ها در رساله خود که در سال ۳۷۳ ه.ق نگارش نمود، قانون انکسار نور را ارائه کرد که بعدها به نام قانون Snell & Descartes یا اسنل نیز معروف گردید.

حجت‌الحق شیخ الرییس، ابوعلی سینا (Avicenna ۳۷۰-۴۲۷ ه.ق) طبیب نامدار ایرانی، در کتاب "قانون" چهار گفتار را به چشم و بیماری‌های آن اختصاص داده است. وی در گفتار اول به تشریح چشم و کلیات درمان و بهداشت چشم پرداخته است. نکته قابل توجه آن که، با عنایت به ممنوعیت تشریح در آن زمان، وی اعصاب و عضلات چشم را با دقت بسیار شرح داده است. در گفتار دوم، به بیماری‌های کره چشم از جمله سرطان چشم، ناخنک و لوچی، در گفتار سوم به بیماری‌های پلک و اطراف آن مانند شپش پلک، برگشتن پلک و خارش آن و برگشتگی مژه و در گفتار چهارم به قوت دید و حالات آن از جمله شب‌کوری، روز‌کوری و آب مروارید پرداخته است. این حکیم پارسی پس از شرح خصوصیات و

علائم هر بیماری، درمان آن را نیز ذکر کرده است. به عنوان نمونه در درمان شب‌کوری علاوه بر داروهای گیاهی و استفاده از خون و جگر حیوانات، خون‌گیری از رگ گوشه چشم و رگ سر نیز توصیه شده است. وی معتقد بود که لوچی تنها در اوایل کودکی قابل درمان بوده و توصیه نمود چراغ و یا جسم قرمزی را در نزدیکی گوش مقابل لوچی قرار دهند تا نوزاد به صورت مداوم به آن نگاه کند؛ هم‌چنین در این زمینه چکاندن افشره برگ زیتون را به داخل چشم مفید می‌دانست.

ابوعلی سینا جهت درمان آب مروارید (که در متون قدیمی از آن با نام‌های آب آوردن چشم و صعود آب در چشم‌ها نیز یاد شده است) برحسب تراکم و رنگ آن، درمان‌های متفاوتی را ارائه می‌نمود. هم‌چنین در مواردی که عدسی به رنگ سفید، آبی درخشان و فیروزه‌ای بود، درمان را آسان و در مواردی که به رنگ سبز تیره، سیاه یا زرد بود، درمان را دشوار توصیف کرد. ابوعلی سینا معتقد بود که اگر این بیماری در مراحل ابتدایی تشخیص داده شود، با رژیم غذایی و مراقبت‌های بهداشتی قابل درمان است. از جمله درمان‌های دارویی که برای بهبود آب‌مروارید به کار می‌برد، چکاندن مخلوط عسل با زهر مار در چشم مبتلایان بود. در نهایت روش بیشتر زدن (couching) را جهت تخلیه آب مروارید به کار می‌برد.<sup>۱۲</sup>

پس از درگذشت ابن‌سینا، سید اسماعیل جرجانی (۵۳۱-۴۳۴ ه.ق)، از برجسته‌ترین پزشکان جهان در زمان خویش و موسس مکتب پزشکی فارسی، با نگاشتن کتاب‌های ارزنده "ذخیره خوارزمشاهی" و "الاعراض الطبیه" به زبان فارسی، که به ترتیب دایره‌المعارف بزرگ و متوسط علم پزشکی آن زمان محسوب می‌شدند، طب ایرانی را که تا آن زمان به عربی نگارش می‌شد به زبان فارسی تبدیل کرد. اگر چه قبل از جرجانی نیز آثار اندک و پراکنده‌ای به زبان فارسی موجود بودند اما به صورت گسترده و برای تربیت پزشکان استفاده نمی‌شدند. پس از وی بخش‌های مرتبط با علم چشم‌پزشکی این دو کتاب از جمله منابع اصلی تدریس در مدارس پزشکی ایران محسوب گردیدند. در گفتار دوم از بخش چهارم کتاب الاغراض الطبیه در ۸ باب بیماری‌های چشم و درمان هر کدام توضیح داده شده است.<sup>۱۳</sup>

در سال (۴۵۰ ه.ق) اولین کتاب مختص چشم‌پزشکی به زبان فارسی، به نام "نورالعین"، توسط ابوروح محمد بن منصور جرجانی معروف به زرین دست تالیف شد و در حال حاضر دو نسخه خطی این کتاب در دانشگاه آکسفورد و کلکته نگهداری می‌شود و توسط هیرشبرگ به آلمانی نیز ترجمه شده است. فصل نهم این کتاب

بدین ترتیب چشم‌پزشکی نوین ایران در سال (۱۳۱۰ ه.ق) توسط پروفیسور راتولد فرانسوی به عنوان یک شاخه تخصصی پزشکی در مدرسه دارالفنون بنیان گذاشته شد. از مشهورترین فارغ التحصیلان چشم‌پزشکی آن زمان می‌توان به اسماعیل خان (امین الملک)، علیرضا خان (مهذب السلطنه) حاج زین العابدین، محمود خان شیمی، میرزا علیخان (ناصرالحکما)، یحیی میرزا شمس (لسان الحکما) اشاره نمود. لسان شمس از برجسته‌ترین آن شاگردان بود که برای گذراندن دوره تحصیلات تکمیلی به فرانسه سفر نمود و زیر نظر پروفیسور گالزفسکی و اساتید دیگر تحصیل نمود سپس در زمان احمد شاه قاجار به ایران بازگشت و ریاست بخش چشم‌پزشکی مریض‌خانه دولتی و سپس بیمارستان وزیری را به عهده گرفت. وی هم‌چنین نماینده مجلس شورای ملی بود؛ ممکن است همین موضوع سبب نامگذاری لقب ایشان به «لسان الحکما» شده باشد. تنها اثر مکتوب ایشان، کتاب «شعالعیون» یا بصارالعیون می‌باشد که در مقدمه آن به شرح خاطرات زندگی و تحصیل خود پرداخته است. وی سرانجام در فروردین ۱۳۲۴ هجری شمسی پس از ۲۴ سال تدریس در سن ۷۳ سالگی دار فانی را بدرود گفت<sup>۱۹</sup>. از ایشان دو فرزند چشم‌پزشک در کنار ۷ فرزند دیگر به یادگار ماند. محمد قلی شمس (۱۳۷۵-۱۲۸۳ ه.ش)، در سال ۱۹۲۷ م. از دانشگاه لیون فرانسه فارغ التحصیل و در سال ۱۹۳۱ م. موفق به دریافت عنوان استادی گردید. وی در سال ۱۳۱۱ ه.ش به ایران بازگشت و نشان علمی درجه یک را دریافت نمود. به همت وی که به عنوان بنیان‌گذار چشم‌پزشکی نوین ایران شناخته می‌شود، اولین برنامه دستیاری چشم در بیمارستان ارتش در سال ۱۳۱۲ ه.ش و پس از تاسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ ه.ش در محل بیمارستان فارابی، که در آن زمان شامل دو درمانگاه، یک اتاق عمل و ۲۵ تخت بود، با پذیرش چهار دستیار آغاز گردید. هم‌چنین اولین درمانگاه چشم‌پزشکی در سال ۱۳۱۲ ه.ش در بیمارستان ارتش و پس از آن بخش چشم‌پزشکی مدارس در قسمتی از ساختمان مدرسه دارالفنون و سپس بیمارستان فارابی راه اندازی شد. اولین پیوند قرنیه در ایران در سال ۱۳۱۳ ه.ش توسط پروفیسور شمس انجام گردید. انجمن چشم‌پزشکی ایران نیز به همت وی در سال ۱۳۲۶ ه.ش به صورت رسمی به ثبت رسید و در سال ۱۳۳۳ ه.ش به عضویت انجمن بین‌المللی چشم‌پزشکی درآمد. اولین مجله چشم‌پزشکی در ایران که مربوط به انجمن چشم‌پزشکی بود در سال ۱۳۴۷ ه.ش و با صاحب امتیازی پروفیسور محمدقلی شمس منتشر شد. وی سال‌ها ریاست انجمن چشم‌پزشکی و مدیریت گروه چشم دانشگاه تهران

شیوه‌های جراحی چشم را معرفی می‌نماید که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از این تاریخ به بعد هم‌زمان با حمله مغول و نابودی کتابخانه‌ها تا اواخر دوران صفویه، چشم‌پزشکی و به طور کلی پیشرفت علوم در ایران دچار وقفه و رکود گردید. تنها در قرن پانزده میلادی (نهم ه.ق) هم‌زمان با حکومت مغول و تیموریان، می‌توان به یک چشم‌پزشک مشهور به نام ابوزین کحال اشاره کرد. کتاب مهم وی «شرایط جراحی» نام دارد که در دوره شاهرخ تیموری و در ده مقاله در باب شناخت بیماری‌ها، علاج و جراحی‌های چشم تالیف گردید. کتاب «آینه سکندر» در زمینه چشم‌پزشکی نیز در اواخر دوره صفوی تالیف گردید که نسخه خطی این کتاب در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است<sup>۱۴</sup>.

در دوران قاجاریه و در سال ۱۸۵۱ م. معادل ۱۲۶۷ ه.ق مدرسه دارالفنون با حضور ناصرالدین شاه و صدر اعظم جدید وی میرزا آقاخان نوری و عده‌ای از اندیشمندان ایرانی و اروپایی افتتاح و با ۳۰ دانشجو فعالیت خود را آغاز کرد. امیرکبیر که برای تاسیس این مدرسه کوشش بسیاری نموده بود به علت بدخواهی عده‌ای از درباریان در هنگام افتتاح مدرسه حضور نداشت. با تاسیس این مرکز، پزشکی و علوم دیگر رونق تازه‌ای گرفتند. دکتر ادوارد پولاک (Jakob Edward Polak) پزشک اتریشی که به کوشش وی اولین بیمارستان سبک نوین ایران به نام بیمارستان نظامی در سال (۱۲۶۹ ه.ق) در تهران تاسیس شد<sup>۱۶</sup>، در سفرنامه خویش تعداد چشم‌پزشکان ایرانی را در اواخر دوره ناصرالدین شاه نسبتاً زیاد دانسته و می‌گوید بسیاری از آن‌ها علاوه بر ایران در سراسر مصر، عثمانی، چین، هندوستان و عربستان شهرت داشته و خارج از ایران نیز طبابت می‌کردند. هم‌چنین به کحال زنی اشاره می‌کند که در تهران شهرت داشتند ولی هیچ اسمی از آن‌ها نبرده است. این چشم‌پزشکان علاوه بر درمان دارویی، جراحی‌هایی به منظور درمان آب مروارید، ناخنک، تراخم، کجی مژگان و انحراف چشم را انجام می‌دادند. داروهای ساخت ایران تا از میر صادر می‌شد و قسمت اصلی آن‌ها را کات کبود و هلیله تشکیل می‌داد. به نظر ادوارد پولک با وجود طبیبان نام‌آور، مبتلایان به بیماری‌های چشمی و تعداد نابینایان در آن زمان فراوان بودند<sup>۱۸</sup>.

دکتر گالزفسکی (Galesowski)، چشم‌پزشک معروف فرانسوی برای درمان چشم مسعود میرزا به اصفهان فراخوانده شد و سپس یکی از شاگردانش به نام دکتر راتولد (Ratulde)، به دستور وزیر علوم (مخبرالدوله) سرپرستی بخش چشم‌پزشکی مریض‌خانه دولتی و تعلیم شاگردان ایرانی را در دارالفنون به عهده گرفت و

بعد از انقلاب اسلامی و در سال ۱۳۶۰ ه.ش، بخش چشم بیمارستان دکتر لبافی‌نژاد توسط دکتر سجادی (فارغ‌التحصیل چشم پزشکی از آمریکا) راه‌اندازی شد و با دایر شدن دوره‌های فلوشیپ و فعالیت فارغ‌التحصیلان آن در سراسر کشور، رشته چشم پزشکی در ایران جان تازه‌ای گرفت. نخستین بانک چشم ایران در سال ۱۳۶۷ ه.ش (۱۹۸۸ م.) در تهران و با همت آقایان دکتر منافی، دکتر کلانتر معتمدی و دکتر سجادی و پشتیبانی وزیر وقت بهداشت (دکتر مرندی) به عنوان موسسه غیردولتی و غیرانتفاعی تاسیس شد و تاکنون رشد کمی و کیفی قابل توجهی داشته است. از ابتدای تاسیس این مرکز تاکنون ۴۰ هزار مورد قرنیه به مراکز مختلف در تهران و سایر شهرستان‌ها ارسال گردیده است.

کنگره‌های چشم پزشکی در ایران به صورت پراکنده و غیرمتمرکز در شهرهای مختلف از جمله تهران، شیراز، اصفهان و مشهد برگزار می‌گردید. در سال ۱۳۶۹ ه.ش این برنامه‌ها به صورت متمرکز و پیوسته درآمد و نخستین کنگره سراسری چشم‌پزشکان ایران در سال ۱۳۷۰ به همت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و انجمن چشم ایران برگزار گردید و از آن پس هر ساله دانشگاه‌های مختلف مسئولیت اجرایی و علمی این کنگره را بر عهده می‌گیرند.

در سال ۱۳۷۶ ه.ش اولین مرکز تحقیقات چشم پزشکی در بیمارستان لبافی‌نژاد به همت دکتر محمدعلی جوادی شروع به فعالیت نمود. چند سال بعد، در سال ۱۳۸۱ ه.ش مرکز تحقیقات چشم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران با ریاست دکتر علی صادقی طاری آغاز به کار کرد و تا به امروز مراکز تحقیقاتی متعددی در سراسر ایران پدید آمده است.

#### تقدیر و تشکر

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند که از راهنمایی اساتید گرانقدر، جناب آقای پروفیسور حمید احمدیه، استاد چشم پزشکی و معاونت محترم مرکز تحقیقات چشم دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و جناب آقای دکتر حسن تاج‌بخش، استاد ممتاز دانشگاه تهران و عضو برجسته فرهنگستان علوم، کمال تشکر و قدردانی را به عمل آورند.

را نیز بر عهده داشت<sup>۲۰</sup>. پس از ایشان، پروفیسور محمدهادی صدوقی (۱۳۶۱-۱۳۹۸ ه.ش) که در کشور فرانسه تحصیل نموده بود، مدیریت گروه چشم پزشکی دانشگاه تهران را به عهده گرفت.

در اصفهان و در سال ۱۳۲۰ ه.ش، بیمارستان عیسی‌بن‌مریم جزو مراکزی بود که اعمال جراحی محدود چشم در آن انجام می‌شد، اما در سال ۱۳۲۶ ه.ش دکتر منوچهر دانشگر بخش چشم دانشگاه اصفهان را راه‌اندازی کرد. در شیراز بخش چشم بیمارستان نمازی در سال ۱۳۳۳ ه.ش با همت دکتر محمد ریاضی تاسیس شد و در سال ۱۳۳۴ ه.ش اولین دوره دستیاری چشم پزشکی در شیراز برگزار گردید. در سال ۱۳۳۶ ه.ش بخش چشم بیمارستان سعدی با ۳۰ تخت چشم پزشکی توسط دکتر بیدل تاسیس شد. در سال ۱۳۴۶ ه.ش بخش آموزشی از بیمارستان نمازی به بیمارستان خلیلی انتقال یافت و در سال ۱۳۴۷ ه.ش دکتر علی اکبر خدادوست، فارغ‌التحصیل دانشگاه شیراز پس از گذراندن دوره تخصصی چشم پزشکی در دانشگاه جان‌هاپکینز (Johns Hopkins) آمریکا، ریاست بخش چشم این بیمارستان را به عهده گرفت، هم‌چنین اولین پیوند قرنیه به سبک نوین توسط دکتر خدادوست در شیراز بین سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۴۸ ه.ش انجام شد. دانشگاه شیراز بین سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۹ م. با مرکز چشم پزشکی ویلمر (Wilmer) وابسته به دانشگاه جان‌هاپکینز، تبادل دستیار داشت و انجمن چشم پزشکی آمریکا مدرک چشم پزشکی دانشگاه شیراز را به رسمیت می‌شناخت<sup>۲۱</sup>.

در مشهد، دکتر فقیهی بخش چشم بیمارستان امام رضا را افتتاح نمود. در اهواز در سال ۱۳۴۶ ه.ش بخش چشم بیمارستان پهلوی (امام) توسط دکتر بیدل و باستانی افتتاح گردید. در آن زمان، به غیر از بیمارستان فارابی سه بخش چشم پزشکی دیگر نیز در تهران تاسیس شدند. ابتدا بخش چشم بیمارستان امیر اعلم که در سال ۱۳۳۸ ه.ش توسط دکتر مسعود ضرابی و سپس بخش چشم بیمارستان جرجانی (امام حسین) وابسته به دانشگاه ملی (شهید بهشتی) در سال ۱۳۴۷ ه.ش و به ریاست دکتر ملک مدنی و در نهایت بخش چشم بیمارستان رضا پهلوی (شهید) به ریاست دکتر بیژن یوسفی افتتاح گردید و از سال ۱۳۵۲ ه.ش پذیرش دستیار در آن صورت پذیرفت.

#### منابع

۱. دکتر ولی اله محرابی. تاریخ مصور پزشکی جهان از کهن ترین روزگاران تا دوره معاصر. جلد سوم، فصل ۲۹ تاریخ چشم پزشکی. چاپ اول. تهران: انتشارات دایره‌المعارف تاریخ

پزشکی؛ ۱۳۸۳: ۱۵۰۵.

۲. دکتر سید سهراب خدابخشی. پزشکی در ایران باستان. چاپ اول. تهران: انتشارات فروهر؛ ۱۳۷۶: ۵۲-۵۱.

۳. دکتر حسن تاج‌بخش. تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران. جلد اول ایران باستان. چاپ سوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران؛ ۱۳۸۵:۱۹۸-۱۹۷.
۴. سریل الگود. تاریخ پزشکی ایران. مترجم محسن جاویدان. فصل ۲ از مرگ اسکندر تا ظهور اسلام. چاپ اول. تهران: انتشارات اقبال؛ ۱۳۵۲:۸۱.
۵. سریل الگود. تاریخ پزشکی ایران. مترجم محسن جاویدان. فصل ۳ از ظهور اسلام تا مرگ هارون الرشید. چاپ اول. تهران: انتشارات اقبال؛ ۱۳۵۲:۱۴۶-۱۱۹.
۶. دکتر حسن تاج‌بخش. تاریخ بیمارستان‌های ایران (از آغاز تا عصر حاضر). فصل ۱۷ بخش چشم‌پزشکی بیمارستان‌ها و نگرشی بر تاریخ چشم‌پزشکی در ایران. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران؛ ۱۳۷۹:۲۶۹.
۷. دکتر حسین حاتمی و همکاران. مقاله ۱۰۱، ابن‌ربن طبری یا ابن‌ربن، ابوالحسن علی‌بن‌سهل. کمیته فرهنگ و تمدن اسلام و ایران ۲۰۰ مقاله آموزشی. (www.elib.hbi.ir/Persian/islamicculture&civilization/200-lectures)
۸. هرمز شمس. تاریخ چشم‌پزشکی ایران. مجله چشم‌پزشکی ایران/ ۱۳۸۵؛ ۱۹(۱):۱-۱۴.
۹. دکتر حسن تاج‌بخش. تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران. جلد دوم. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران؛ ۱۳۷۵:۲۱۰-۲۰۹.
۱۰. زکریای رازی. الحاوی فی الطب (نسخه عربی). دایره‌المعارف الکترونیکی بسترهای پژوهشی پزشکی نیاکان (www.elib.hbi.ir/persian/Traditional-medicine)
۱۱. دکتر حسن تاج‌بخش. تاریخ بیمارستان‌های ایران (از آغاز تا عصر حاضر). فصل ۱۸، چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران؛ ۱۳۷۹:۲۵۸-۲۵۹.
۱۲. شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا. قانون فی طب. ترجمه عبدالرحمن شرفکندی (هه ژار). فصل سوم در تشریح و بیماری‌های چشم. چاپ اول. تهران: انتشارات سروش؛ ۱۳۶۶:۲۷۲-۲۰۰.
۱۳. سیداسماعیل جرجانی. الاغراض الطیبیه و المباحث العلابیه. تصحیح و تحقیق دکتر حسن تاج‌بخش. جلد اول، مقدمه و گفتار دوم از بخش چهارم کتاب اغراض طبی و مباحث علایی. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، فرهنگستان علوم؛ ۱۳۸۴:۵۴۱-۵۱۴.
۱۴. دکتر حسن تاج‌بخش. تاریخ بیمارستان‌های ایران (از آغاز تا عصر حاضر). فصل ۲۳ آموزش پزشکی در مدارس پزشکی و بیمارستان‌ها. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران؛ ۱۳۷۹:۳۲۸.
۱۵. محمدتقی سمردی. پژوهشی در تاریخ پزشکی و درمان جهان (از آغاز تا عصر حاضر). جلد دوم، بخش اول، فصل اول. چاپ اول. تهران: انتشارات سمردی؛ ۱۳۷۷:۴۹.
۱۶. دکتر سیدجواد هدایتی. تاریخ پزشکی معاصر ایران از تاسیس دارالفنون تا انقلاب اسلامی. چاپ اول. تهران: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران؛ ۱۳۸۱:۳۹-۳۵.
۱۷. محسن روستایی. تاریخ طب و طبابت در ایران از عهد قاجار تا پایان عصر رضا شاه به روایت اسناد. جلد اول نگاهی به تاریخ پزشکی ایران در عهد قاجار و رضا شاه- تاریخچه. چاپ اول. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران؛ ۱۳۸۲:۳۱-۳۴۹.
۱۸. محمدعلی علومی. سفرنامه دکتر پولاک (خلاصه ای از کتاب سفرنامه پولاک "ایران و ایرانیان" نوشته یاکوب ادوارد پولاک). چاپ اول. تهران: انتشارات امیر کبیر، کتاب‌های جیبی؛ ۱۳۸۹:۱۲۲.
۱۹. محسن روستایی. تاریخ طب و طبابت در ایران از عهد قاجار تا پایان عصر رضاشاه به روایت اسناد. جلد دوم، قسمت اول، شرح حال طبیبان قاجار و رضا شاه. چاپ اول. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران؛ ۱۳۸۲:۴۲۴-۴۱۹.
۲۰. دکتر محمد مهدی موحدی. زندگی نامه پزشکان نام‌آور معاصر ایران. جلد دوم، فصل ۱۵ پروفیسور محمدقلی شمس. چاپ اول. تهران: انتشارات ابرون؛ ۱۳۷۹:۱۳۹-۱۲۰.
21. Khodadoust A. Ophthalmology from ancient Persia to the modern era. *Arch Ophthalmol* 2006;124:1481-1483.